

**نقش اقدامات مبتنی بر روش‌ها و فرایندهای تولید غیر مرتبط با محصول  
(NPRPPMs) در حفاظت از محیط زیست جهانی و موانع اعمال آن‌ها در**

**«WTO»**

**دکتر محمدجعفر قنبری جهرمی \***

**زهرا محمودی کردی \*\***

**چکیده**

افزایش اطلاعات و آگاهی‌های زیست‌محیطی مصرف‌کنندگان در سال‌های اخیر سبب گرایش آن‌ها به مصرف محصولات سازگار با محیط زیست شده است. این روی-کرد، بحث روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول را به یکی از مباحثات اصلی در عرصه‌ی حقوق تجارت بین‌الملل و محیط زیست تبدیل نموده است. مسئله‌ی روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول همانند دیگر مسائل حوزه‌ی تجارت و محیط زیست از مجادلات میان طرف‌داران تجارت آزاد از یک سو و طرف-داران محیط زیست از سوی دیگر مستثنا نبوده است.

در این بین پرسش مهم این است که آیا اقداماتی که بر اساس روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول و برای حفاظت از محیط زیست جهانی انجام می‌گیرد را می‌توان در چارچوب نظام سازمان تجارت جهانی توجیه نمود و یا این که مقررات آن سازمان و به ویژه موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت و حتی برخی از موارد مرتبط دیگر مانع از توجیه این اقدامات می‌شوند؟

---

\* استادیار دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

\*\* دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق بین‌الملل.

تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است؛ به این منظور اولاً در پی نشان دادن اهمیت اقدامات مبتنی بر روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول در حفاظت از محیط زیست جهانی و ثانیاً تشریح موانع فراروی این اقدامات در نظام سازمان تجارت جهانی است. مطالب را در دو مبحث اصلی یعنی شناخت این روش‌ها و فرایندها و نقشی که اقدامات مبتنی بر آن‌ها در حفاظت از محیط زیست بر عهده دارند و بررسی آن-چه که موانع اعمال این اقدامات نامیده می‌شود، پی خواهیم گرفت.

### کلید واژگان

روش‌ها و فرایندهای تولید، روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول، سازمان تجارت جهانی، محصولات مشابه، موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات)، محیط زیست جهانی، اصل حاکمیت.

## مقدمه

افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در دهه‌های اخیر سبب مشکلات متعددی را در دو سطح داخلی و بین‌المللی به وجود آورده است؛ مشکلاتی هم‌چون آلودگی آب، هوا، تخریب لایه‌ی اوزن، گرم شدن کره‌ی زمین، به مخاطره افتادن گونه‌های زیستی و حتی انقراض آن‌ها، تخریب جنگل‌ها، باران‌های اسیدی و غیره. این نمونه‌ها و موارد مشابه دیگر، سلامت مردم را نه تنها در کشور محل تولید آلودگی بلکه در سراسر دنیا به درجات مختلف تهدید می‌کند.

علت عمده‌ی این آلودگی‌ها ریشه در رشد اقتصادی افسارگسیخته یعنی افزایش تولید و به تبع آن افزایش مصرف دارد که بدون توجه به ضوابط زیست‌محیطی صورت پذیرفته است. این روند در دهه‌های گذشته توسط کشورهای توسعه‌یافته و هم اکنون توسط کشورهای در حال توسعه در حال پیگیری است.

برای نمونه می‌توان به گزارش کنفرانس سازمان ملل متحد درباره‌ی تجارت و توسعه (آنکتاد) اشاره نمود. طبق این گزارش، تجارت میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته از سال ۱۹۹۰ به این سو رشد فزاینده‌ای داشته و متوسط این رشد شش درصد بوده است.<sup>۱</sup>

مسئله‌ی پیامد این رشد اقتصادی تولید محصولات بیش‌تر است و لازمه‌ی تولید استفاده از مواد اولیه و خام از دل طبیعت و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در فرایند تولید و در نهایت آلودگی ناشی از مصرف و دفع نهایی محصولات است.<sup>۲</sup>

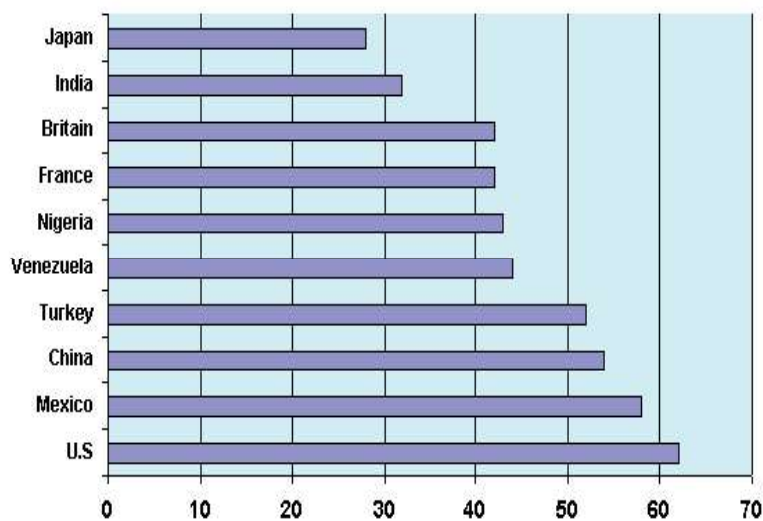
به هر رو افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی سبب تشدید نگرانی طرف‌داران محیط

1. UNCATD (2004), Trade and Development Report, New York and Geneva, available at: [http://www.unctad.org/en/docs/tdr/2004\\_en.pdf](http://www.unctad.org/en/docs/tdr/2004_en.pdf).

2. Hanley, N; Shogren, J.F. and White, B., Introduction to Environmental Economic, New York, Oxford University Press, 2007.

زیست گردید که پیامد آن انجام اقداماتی در راستای مبارزه با این آلودگی‌ها بود. این تلاش‌ها علاوه بر این که انجام فعالیت‌هایی را در سطح بین‌المللی و به ویژه از طریق انعقاد کنوانسیون‌های متعدد زیست‌محیطی دامن زده، باعث افزایش اطلاعات زیست‌محیطی عموم مردم و مصرف‌کنندگان شده و تمایل مصرف‌کنندگان به مصرف محصولات سازگار با محیط زیست را به دنبال داشته است. (بنگرید به جدول زیر) در حال حاضر مصرف‌کنندگان حتی در کشورهای در حال توسعه نیز نسبت به ویژگی‌ها و خصوصیات زیست‌محیطی محصولات توجه نشان می‌دهند. این رویکرد مبارک، به نوبه‌ی خود سبب شده تا تولیدکنندگان نیز اقدام به اتخاذ روش‌ها و فرایندهای تولید مناسب و سازگار با محیط زیست نمایند، چراکه با شرایط پیش‌آمده در بازار مصرف، آن را عامل بقای خود و حفظ رقابت در بازار می‌دانند.

جدول زیر گویای میزان عدم گرایش مصرف‌کنندگان در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به مصرف محصولات ناسازگار با محیط زیست می‌باشد:



اما در کنار مزایای موجود در این تغییر رویه‌ی مصرف‌کنندگان که آثار زیست-محیطی بسیار مثبتی در پی دارد<sup>۳</sup>، انتقاداتی از سوی طرف‌داران نظام تجارت آزاد مطرح شده است.

در این میان آن‌چه بیش از همه مدنظر طرف‌داران محیط زیست و مورد انتقاد طرف-داران تجارت آزاد بوده و بحث‌های فراوانی را در پی داشته، مفهوم روش‌های تولید و فراوری غیرمرتبط با محصول است که به اصطلاح «NPRPPMs»<sup>۴</sup> نامیده می‌شود. طرف‌داران تجارت آزاد، مخالف درج «NPRPPMs» در موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراوری تجارت (TBT)<sup>۵</sup> و در قالب استانداردهای فنی هستند و با هرگونه تفسیری که حکایت از شمول این روش‌ها در موافقت‌نامه‌ی مذکور داشته باشد به شدت مخالفت می-نماید.

علت اصلی این مخالفت‌ها، مغایرت «NPRPPMs» و اقدامات تجاری مبتنی بر آن، با اصل عدم تبعیض (رفتار کامله‌الوداد<sup>۶</sup> و رفتار ملی<sup>۷</sup>) بیان شده که یکی از اصول زیربنایی گات و «WTO» است. بحث پیرامون اصل عدم تبعیض و ارتباط آن با «NPRPPMs» بسیار مفصل است، لذا در این مقاله قصد داریم به ارزیابی یکی از نمودهای آن یعنی مقوله‌ی

۳. از جمله‌ی این آثار مثبت که از طریق "برچسب زنی اکولوژیکی" حاصل می‌شود می‌توان به سهولت در شناسایی محصولات سازگار با محیط زیست، افزایش ایمنی و سلامت زیستی مصرف‌کنندگان، کنترل آثار سوء زیست‌محیطی، ایجاد انگیزه‌های بیش‌تر برای کالاهای سازگار با محیط زیست در میان تولیدکنندگان و ... اشاره کرد.

#### 4. Non Product Related Product and Process Methods.

۵. موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراوری تجارت (۱۹۹۴) یکی از موافقت‌نامه‌های ضمیمه‌ی سازمان جهانی تجارت می‌باشد که هدف آن تضمین مقررات و استانداردهای فنی از جمله الزامات مربوط به علامت-گذاری، برچسب زنی، بسته‌بندی و ... و جلوگیری از موانع غیرضروری فراوری تجارت بین‌الملل است.

#### 6. Most Favored Nation (MFN).

#### 7. National Treatment (NT).

«محصولات مشابه»<sup>۸</sup> در موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات) پردازیم. مفهوم محصولات مشابه می‌تواند در تبعیض‌آمیز بودن یا نبودن یک رفتار نقش بسیار مهمی ایفا نماید. به همین دلیل در بسیاری از آرای نظام حل و فصل اختلافات «WTO» مورد بررسی قرار گرفته است.

نکته‌ی دیگری که باید در ارتباط با چارچوب این مقاله به آن اشاره شود، بحث مشکلات زیست‌محیطی است. از آن‌جا که حوزه‌ی این مسائل نیز گسترده بوده و به چندین گروه قابل طبقه‌بندی است، تمرکز مقاله‌ی حاضر روی مشکلات و آلودگی‌های زیست-محیطی جهانی است. لذا سعی شده در حد بضاعت به نقش «NPRPPMs» و اقدامات تجاری مبتنی بر آن در حفاظت از محیط زیست جهانی و مشترک اشاره و رابطه‌ی این اقدامات با اصل عدم تبعیض (با تکیه بر مفهوم محصولات مشابه) مندرج در گات سنجیده شود.

#### ۱- تعریف روش‌ها و فرایندهای تولید محصول<sup>۹</sup>

قبل از آن‌که به بررسی «NPRPPMs» پردازیم، باید با مفهوم روش‌ها و فرایندهای تولید که از این پس «PPMs» گفته می‌شود آشنا شویم. تا کنون هیچ تعریف پذیرفته شده‌ای از اصطلاح روش‌ها و فرایندهای تولید بیان نشده است. اگرچه ایالات متحده‌ی آمریکا در مذاکرات دور /روگوئه پیرامون موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراوری تجارت تعریفی از استاندارد «PPM» پیشنهاد داد، اما این پیشنهاد مورد موافقت اعضا واقع نشد و از این رو در متن نهایی موافقت‌نامه‌ی مزبور نیز جای نگرفت.<sup>۱۰</sup>

طبق تعریف پیشنهادی آمریکا، استاندارد «PPM»، استاندارد است که روش تولید یا فراوری را که در یک یا بیش از یک مرحله از مراحل طراحی، ساخت، نصب و یا استفاده

8. Like Products.

9. Product and Process Methods (PPMs).

10. TBT/W/108/Add. 1 January 1989.

از تجهیزات و یا سازه‌ها به کار رفته است مشخص نماید و یا آن دسته از روش‌ها و شرایط خاصی که با استفاده از آن‌ها یک محصول رشد و نمو یافته را بیان کند.<sup>۱۱</sup>

با توجه به فقدان یک تعریف رسمی از «PPM»، صاحب‌نظران و نهادهای ذیربط تعریفی را حسب مورد ارائه نموده‌اند که تقریباً مشابه یکدیگر می‌باشند. در این مقاله از تعریف ارائه شده توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) استفاده شده که تعریفی مختصر و گویاست. مطابق این تعریف، «PPM» یعنی روشی که طی آن یک محصول ساخته و تولید می‌شود.<sup>۱۲</sup> برای مثال می‌توان به روش تولید کاغذ اشاره نمود که می‌تواند بسته به این که کاغذ به روش سنتی تولید شود و یا از مواد بازیافتی، متفاوت باشد. برای تولید کاغذ به روش سنتی، قطع درختان و فراوری چوب ضرورت داشته و جزئی از فرایند تولید است، اما روش و مراحل تولید کاغذهایی که از مواد زائد و بازیافتی تولید می‌شوند کاملاً متفاوت است.<sup>۱۳</sup> به لحاظ آثار زیست‌محیطی پیداست که فرایند و روش تولید اخیر، آثار سوء زیست‌محیطی به مراتب کم‌تری به ویژه از حیث استفاده از منابع طبیعی و مواد خام اولیه دارد.

پس از آشنایی مختصر با مفهوم «PPM» در ادامه به بررسی انواع روش‌ها و فرایندهای تولید می‌پردازیم.

## ۲- تقسیم‌بندی روش‌ها و فرایندهای تولید

براساس اثری که روش و فرایند تولید بر محصول نهایی و ویژگی‌های آن دارد،

11. *Ibid.*

12. OECD, Processes and Productions Methods (PPMs): Conceptual Framwork and Considerations on Use of PPM-Based Trade Measures, Paris, August 1997, OECD/GD, (97), No.137, available at: <http://www.oecd.org>.

13. Environment and Trade, A Hand book, IISD and UNEP, 2005.

می‌توان به دو نوع روش و فرایند تولید اشاره کرد:

- روش‌ها و فرایندهای تولید مرتبط با محصول<sup>۱۴</sup>
- روش‌ها و فرایندهای تولید غیر مرتبط با محصول<sup>۱۵</sup>

البته این تفکیک عملاً در هیچ سند رسمی ذکر نشده بلکه حاصل رویه‌ی قضایی سازمان تجارت جهانی<sup>۱۶</sup> و سلف آن یعنی موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت<sup>۱۷</sup> می‌باشد.

### ۱-۲- روش‌ها و فرایندهای تولید مرتبط با محصول

اگر روش‌هایی که برای تولید و فراوری یک محصول به کار می‌رود، در محصول نهایی به طور واضح و قابل تشخیص، نمود و بروز یافته و آن را متاثر سازد، به این روش تولید، روش مرتبط با محصول و یا آمیخته با محصول گفته می‌شود.<sup>۱۸</sup>

به عبارت دیگر مقررات مربوط به «PRPPMs»، به توصیف ویژگی‌های فیزیکی و یا شیمیایی یک محصول می‌پردازند.<sup>۱۹</sup> خصوصیات مزبور می‌تواند سبب آلودگی‌های زیست‌محیطی در زمان مصرف محصول مورد نظر شوند. برای نمونه مقرراتی که بیان می‌دارند محصول نهایی پنبه باید عاری از آفت‌کش‌ها باشد نوعی از قواعد «PRPPMs» هستند.

14. Product Related Processes and Production Methods (Incorporated PPMs) [PRPPMs].

15. Non-Product Related Processes and Production Methods (Unincorporated PPMs) [NPRPPMs].

16. World Trade Organization (WTO).

17. General Agreement on Tariff and Trade (GATT).

18. Joshi, M., "Are Eco-labels Consistent with WTO Agreement?", Journal of World Trad, Vol. 38(1), 2004.

۱۹. برای مثال می‌توان از میزان سرب افزوده شده به بنزین و یا قواعدی که به مواد به کار گرفته شده در بسته‌بندی محصول مرتبط می‌شود، نام برد.



براین اساس ملاک انطباق با مقرر نه بود آثار و نشانه‌های آفت‌کش‌ها در محصول نهایی یعنی در ویژگی‌های شیمیایی و فیزیکی آن است. در مورد متاثر شدن محصول نهایی از روش‌هایی که برای تولید آن به کار رفته است نیز می‌توان به رفتار مقامات مرزی کشور واردکننده اشاره کرد که ممکن است به بررسی میزان آفت‌کش‌ها در محصول پردازند تا از انطباق آن با مقررهای مزبور اطمینان حاصل نمایند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این روش و فرایند تولید، ملاک ارزیابی، محصول نهایی است بدون آن‌که به کنکاش در مورد مراحل تولید و فراوری این محصول و میزان سموم و آفت‌کش‌های به کار رفته در آن مراحل پرداخته شود.

لازم به ذکر است، اکثر مقرراتی که در رابطه با «PRPPMs» وجود دارد، مرتبط با شرایط بهداشتی تولید و کنترل کیفیت محصول است و هدف آن‌ها اگرچه در مرحله‌ی تولید اعمال شوند، تمرکز بر خصوصیات محصول نهایی و تنظیم آن است.

از نظر قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی، «PRPPMs» با قواعد مندرج در موافقت‌نامه‌های مربوط منطبق می‌باشد<sup>۲۰</sup>، زیرا دولت‌های عضو سازمان در وضع مقررات و ضوابط زیست‌محیطی خود آزاد هستند. البته این آزادی محدود به رعایت شرایط مندرج در موافقت‌نامه‌ی مرتبط و نیز عدم مغایرت با اصل مهم حاکم بر نظام سازمان تجارت جهانی یعنی اصل عدم تبعیض (رعایت رفتار کامله‌الوداد و رفتار ملی) است. در حال حاضر از مجموع موافقت‌نامه‌های سازمان، دو موافقت‌نامه‌ی موانع فنی فراوری تجارت<sup>۲۱</sup> و موافقت‌نامه‌ی اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی<sup>۲۲</sup> تنظیم‌کننده‌ی اقدامات مبتنی بر

۲۰. برای توضیحات بیش‌تر رک. تعریف "مقررات فنی" و "استانداردها" مندرج در ضمیمه‌ی ۱ موافقت‌نامه‌ی TBT، ماده‌ی ۱/۲ موافقت‌نامه، ماده‌ی ۲/۲ موافقت‌نامه، بند «د» مجموعه قوانین حسن رویه‌ی موافقت‌نامه‌ی TBT و مواد ۱۱ و ۱۳ موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۹۴.

21. Agreement on Technical Barriers to Trade, Apr. 15, 1994, (TBT Agreement).

22. Agreement on Sanitary and Phytosanitary Measures, (SPS Agreement).

«PRPPM» در سازمان تجارت جهانی هستند.

موافقت‌نامه‌ی «SPS»، دارای قواعدی است که بر اساس آن، کشورهای عضو می‌توانند اقداماتی را به منظور حفاظت از حیات یا بهداشت انسان، حیوان و یا گیاه در مقابل بیماری‌ها، آفات، مواد افزودنی، سموم و آلودگی‌ها به عمل آورند. به عبارت دیگر «SPS» صراحتاً روش‌ها و فرایندهای تولیدی‌ای را پوشش می‌دهد که دربردارنده‌ی خطرات ایجاد شده از طریق مقررات بهداشتی و بهداشت گیاهی باشد. موافقت‌نامه‌ی «TBT» نیز تمامی مقررات الزامی (مقررات فنی) و اختیاری (استاندارها) دیگر غیر از مواردی که در صلاحیت «SPS» هست را شامل می‌شود. با توجه به این، موضوع مقاله‌ی حاضر بررسی «NPRPPMs» است، و در خصوص «PRPPMs» به همین مقدار بسنده می‌شود.

## ۲-۲- روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول

منظور از «NPRPPMs»، روش‌ها و فرایندهایی است که در محصول نهایی با ویژگی‌های متمایزکننده، سهم نمی‌باشند. برای مثال مقرره‌ای که بیان می‌دارد: پنبه باید بدون استفاده از هرگونه آفت‌کش رشد و نمو پیدا کند یک مقرره‌ی «NPRPPMs» است. آنچه باعث نقض این مقرره می‌شود، استفاده از آفت‌کش‌ها در فرایند و مراحل رشد و نمو پنبه است. از دیگر مثال‌های مقررات «NPRPPMs»، می‌توان به مقرراتی اشاره داشت که استانداردهای مربوط به میزان انتشار آلاینده‌ها را در مراحل تهیه و تولید یک محصول بیان می‌دارند.

در کل، مقررات و استانداردهای مربوط به روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول، در مراحل قبل از اتمام تولید یک محصول اعمال می‌شوند و تمرکز این مقررات نه محصول نهایی بلکه مراحل و فرایندهای تولید آن است.

برخلاف اقدامات تجاری مبتنی بر روش‌ها و فرایندهای تولید مرتبط با محصول که در انطباق آن‌ها با قواعد نظام تجارت بین‌الملل تردیدی وجود ندارد، در خصوص روش‌ها و فرایندهای غیرمرتبط و شمول آن‌ها در قواعد سازمان جهانی تجارت اختلاف‌نظرهای

زیادی وجود دارد و تاکنون هیچ وفاقی در این باره حاصل نشده است. در بخش‌های پیش‌رو به بیان راه‌حل‌هایی با هدف اثبات انطباق این روش‌ها با نظام سازمان جهانی تجارت (گات) خواهیم پرداخت. این راه‌حل‌ها عموماً در چارچوب نظام فعلی تجارت بین‌المللی ارائه گردیده و در صدد ایجاد سازش میان تجارت بین‌الملل و محیط زیست است.

### ۳- نقش مقررات «NPRPPMs» در حفاظت از محیط زیست جهانی

همان‌گونه که اشاره شد، با وجود مخالفت‌هایی که با شمول این روش‌ها در سیستم سازمان جهانی تجارت وجود دارد، نقش آن‌ها را در حفاظت از محیط زیست و به ویژه محیط زیست جهانی نمی‌توان انکار کرد؛ لذا نباید روش تولید یک محصول را نادیده انگاشت و صرفاً به ویژگی‌های محصول نهایی بسنده نمود. به همین دلیل یکی از سه پرسش‌های اصلی در راستای مدیریت زیست‌محیطی چگونگی تولید و ساخت یک محصول است.<sup>۲۳</sup>

بر این اساس حتی می‌توان میان محصولات با توجه به شیوه‌های متفاوت تولید، یعنی شیوه‌های پاک و یا آلاینده به لحاظ زیست محیطی، نیز قائل به تفکیک شد. همین تفکیک، از دلایل عمده‌ی مخالفت طرف‌داران نظام تجارت آزاد با ضوابط و استانداردهای حاکم بر چگونگی تولید و ساخت محصول است.<sup>۲۴</sup>

بر اساس مقررات بیان‌کننده‌ی «NPRPPMs»، آثار و خسارات زیست‌محیطی صرفاً از طریق محصول و تجارت آن به کشور دیگر ایجاد نمی‌شوند، زیرا تنها محصول نیست که

۲۳. این پرسش‌ها عبارتند از چگونگی تولید و ساخت محصول، چگونگی استفاده و استعمال آن و در نهایت چگونگی دفع و تبدیل شدن آن به مواد زائد.

۲۴. از آن‌جا که مواد ۱ و ۴ گات ۱۹۹۴ به عنوان اساس و پایه‌ی نظام «WTO» تنها نسبت به «محصولات مشابه» قابل اعمال می‌باشند، تغییر در مفهوم «محصولات مشابه» با استناد به دلایل و جهات زیست‌محیطی با اکراه و مخالفت طرف‌داران نظام تجارت آزاد مواجه شده است، چرا که آن را مانعی فراوری تجارت آزاد می‌دانند.

باعث تخریب محیط زیست می‌شود بلکه آسیب‌های زیست‌محیطی می‌توانند در کل چرخه‌ی حیات یک محصول (از تولید تا مصرف و نهایتاً دفع آن) ایجاد شوند. بنابراین مقررات یادشده نسبت به قوانین دربردارنده‌ی «PRPPMs» قلمرو گسترده‌تری از آسیب‌های زیست‌محیطی را شامل می‌شوند. به عبارت دیگر بر خلاف مقررات اخیر که تنها به آسیب‌ها و تهدیدات زیست‌محیطی کشور واردکننده توجه دارد، «NPRPPMs» نه تنها مسئله‌ی ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشور تولیدکننده محصول، بلکه مسائل و مشکلات زیست‌محیطی‌ای که مرزها را درنوردیده و در کشورهای همسایه و حتی فراتر از آن تبعاتی در پی دارند را نیز به نظم می‌کشد.

این در حالی است که مقررات فعلی سازمان جهانی تجارت حسب ظاهر صراحتاً مانع استفاده از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تجاری مبتنی بر «NPRPPMs» می‌شود. برای پی بردن به نقش «NPRPPMs» در آلودگی‌های زیست‌محیطی و سپس تاثیر اقدامات تجاری مبتنی بر آن در حفاظت از محیط زیست جهانی ضروری است تا ابتدا شناختی از انواع دغدغه‌ها و مشکلات زیست‌محیطی و ماهیت آن‌ها به دست دهیم تا از این طریق مفهوم محیط زیست جهانی و جایگاه آن در میان سایر مسائل زیست‌محیطی مشخص گردد.

با توجه به میزان اثرگذاری مشکلات زیست‌محیطی بر سایر کشورها می‌توان قائل به درجات مختلف تخریب‌های زیست‌محیطی ناشی از «NPRPPMs» شد که می‌تواند از تخریب‌ها و آسیب‌های داخلی (کشور محل تولید) تا محلی و منطقه‌ای و نهایتاً مشکلات زیست‌محیطی جهانی گسترده باشد.<sup>۲۵</sup> بنابراین آسیب‌ها و یا مشکلات زیست‌محیطی حسب محل وقوع و ماهیت در سه گروه قابل دسته‌بندی هستند که به ترتیب به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲۵. از جمله می‌توان به تخریب لایه‌ی اوزن، ورود خسارت به گونه‌های مهاجر و یا آبریزان دریا‌های آزاد، تغییرات آب و هوایی و ... به عنوان مشکلات زیست‌محیطی جهانی اشاره نمود.

### ۱-۳- مشکلات و آلودگی‌های زیست‌محیطی داخلی<sup>۲۶</sup>

در مواردی آثار زیست‌محیطی محدود به قلمرو کشوری هستند که روش‌ها و فرایندهای تولید در آن انجام می‌شود و آثار حاصله از قلمرو آن کشور فراتر نمی‌رود. در این موارد کشور مزبور می‌تواند مشکلات زیست‌محیطی ناشی از این روش‌ها و فرایندهای خود را از طریق وضع قوانین زیست‌محیطی مناسب و یا اجرای برنامه‌های مرتبط حل و فصل نماید؛ برای نمونه می‌توان از منع کاربرد مواد شیمیایی مثل انواع کودهای شیمیایی، آفت‌کش‌ها و علف‌کش‌ها در کشاورزی نام برد. البته شایان ذکر است که این آثار در صورت وجود بقایای این مواد در محصول می‌تواند با صادرات به کشورهای دیگر نیز منتقل شده و بر محیط زیست آن‌ها اثرگذار باشد اما مواد فوق بیش‌ترین اثر سوء خود را بر محیط زیست کشور استفاده‌کننده بر جا می‌گذارد.

### ۲-۳- آلودگی‌های برون مرزی<sup>۲۷</sup>

منشا ریزش باران‌های اسیدی استفاده از سوخت‌های فسیلی است، به ویژه سوخت‌های با کیفیت نامناسب که حاوی میزان زیادی سولفور می‌باشند. این پدیده آثار سوء زیادی بر محیط زیست و سلامت انسان‌ها بر جا می‌گذارد؛ از جمله این که سبب اسیدی شدن خاک و نابودی جنگل‌ها و محصولات کشاورزی می‌شود<sup>۲۸</sup> و حیات گیاهان و جانوران آبی را نیز به مخاطره می‌افکند.<sup>۲۹</sup> هر منبعی که از سوخت فسیلی استفاده کند از جمله کارخانه‌های صنعتی و تولیدکننده‌ی محصولات مختلف، خودروها و ... در فرایند زیان‌بار یادشده

26. Local Environmental Concerns.

27. Trans boundary Pollution.

۲۸. برای مثال می‌توان به نابودی جنگل‌های معروف به مثلث سیاه در اروپای مرکزی در اثر ریزش باران‌های اسیدی اشاره نمود.

29. Nordstram, Hakani; Vaughan, Scott, Special Studies 4, World Trade Organization Publication, 1999, p. 22.

دخالت دارد و آثار سوء آن تنها محدود به محیط زیست کشور محل وقوع منبع استفاده کننده از سوخت نیست. این مورد به ویژه در خصوص کارخانه‌ها و صنایع آلاینده که آلودگی حاصل از فعالیت‌های آن‌ها به راحتی به فواصل دورتر منتقل می‌گردد، صدق می‌کند. با توجه به این که آلودگی هوا و باران اسیدی پدیده‌ای برون‌مرزی است، لذا کشورهای قربانی این پدیده می‌توانند برای حفظ محیط زیست خود به اقدامات تجاری و غیرتجاری متعددی متوسل شوند. طبق مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل یک کشور می‌تواند این گونه آلودگی را با همکاری کشور و یا کشورهای همسایه‌ی خود و با انعقاد موافقت‌نامه‌ی زیست‌محیطی دو یا چندجانبه رفع نماید؛ گرچه با توجه به وجود انگیزه‌های نامتناسب میان کشورها و نیز مقوله‌ی سواری مجانی<sup>۳۰</sup> انعقاد چنین موافقت‌نامه‌هایی اکثراً کاری دشوار است.<sup>۳۱</sup> بی‌گمان یکی دیگر از اقداماتی که می‌توان برای حل مسئله‌ی آلودگی‌های برون‌مرزی به آن اشاره نمود، اقدامات تجاری مبتنی بر «NPRPPMs» است؛ یعنی وضع موانع تجاری نسبت به محصولات تولید شده توسط صنایع و کارخانه‌های آلاینده با استناد به روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول<sup>۳۲</sup>. البته تاکنون مثال عملی در این رابطه وجود نداشته است.<sup>۳۳</sup>

### 30. Free Rider.

۳۱. هرچند نمونه‌های موفقیت آمیزی از این قبیل موافقت‌نامه‌ها نیز وجود دارد؛ از جمله می‌توان به پروتکل هلسینگی ۱۹۸۵ درمورد کاهش انتشار برون‌مرزی سولفور به حداقل سی درصد اشاره داشت که میان کشورهای اروپایی منعقد گردیده است.

Ibid., p. 23.

۳۲. این گونه اقدامات به ویژه زمانی که میزان محصولات خریداری شده توسط کشور استنادکننده به «NPRPPMs» از کشور آلاینده زیاد باشد اثر گذارتر خواهد بود.

33. Stanford, E. Gaines, "Processes and Production Methods: How to Produce Sound Policy for Environment PPM – based Trade Measures?", Columbia Journal, Vol.27, 2002, p. 400.

### ۳-۳- آلودگی‌های زیست محیطی جهانی<sup>۳۴</sup>

تخریب لایه‌ی اوزن، تغییرات آب و هوایی، گرم شدن کره‌ی زمین، تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی و مرگ گونه‌های مهاجر از جمله دغدغه‌ها و مشکلات زیست محیطی جهانی هستند. آنچه در این رابطه عموماً مطرح می‌شود، مسئله‌ی یکجانبه‌گرایی است. در موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ی زیست محیطی غالباً از اعمال اقدامات و محدودیت‌های تجاری علیه کشورهای خاکی سخن به میان آمده است. اما در این‌جا، منظور اقداماتی است که یک کشور با هدف حفاظت از محیط زیست جهانی و بر اساس «NPRPPMs» به عمل می‌آورد، فارغ از آن که این اقدامات را در چارچوب یک موافقت‌نامه‌ی مرتبط انجام دهد و یا خارج از آن. برای مثال زمانی که در روش‌ها و فرایندهای تولید یک محصول از مواد تخریب‌کننده‌ی لایه‌ی اوزن استفاده شده باشد و یا محصول نتیجه‌ی تخریب جنگل‌ها باشد، آیا یک کشور می‌تواند و مجاز است از ورود محصولی که به این شیوه تولید شده با استناد به «NPRPPM» ممانعت به عمل آورد یا این که انجام چنین اقداماتی در مغایرت با قواعد سازمان جهانی تجارت (و به‌طور خاص ماده‌ی ۳ گات) است.

از جمله مشکلات زیست محیطی جهانی که با دو پدیده‌ی گرمایش زمین و نیز تخریب لایه‌ی اوزن در ارتباط بوده و سبب تشدید آن‌ها می‌شود، از میان رفتن جنگل‌هاست. هرچند که مشکلات زیست محیطی ناشی از تخریب جنگل‌ها آثار داخلی نیز به دنبال دارد اما تبعات جهانی آن به مراتب گسترده‌تر است؛ از جمله این که سبب افزایش میزان منواکسید کربن در هوا شده و به نحو غیرمستقیم در گرم شدن زمین نقش دارد. هم‌چنین تخریب جنگل‌ها دغدغه‌ی از میان رفتن تنوع زیستی را به همراه دارد.<sup>۳۵</sup>

در رابطه با استفاده از اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» برای حفاظت از محیط زیست

34 Global Environmental Concerns.

35. Ashford, Nicholas A; Caldart, Charles C., Environment Law, Policy and Economics, MIT Press, 2007, p. 51.

جهانی نمونه‌هایی از رویه‌ی کشورها مشاهده می‌شود. بر اساس گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، استفاده از اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» برای حل مشکلات زیست-محیطی مربوط به حفاظت از منابع طبیعی و مرگ گونه‌های مهاجر میان کشورها به نسبت رایج است.<sup>۳۶</sup> اقدامات یادشده در مواردی توانسته به عنوان ابزاری جهت حفاظت از این منابع عمل نماید اما در برخی از موارد سبب بروز اختلاف میان کشورها گردیده و نهایتاً منتهی به طرح دعوا در هیئت حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت شده است. قضیه‌ی ماهی‌های تن - دلفین و قضیه‌ی میگو- لاک پشت‌های دریایی از آن جمله‌اند.

اما تا کنون موردی که در آن از اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» علیه محصولاتی که در ساخت آن‌ها از مواد مخرب لایه‌ی اوزن استفاده شده باشد، گزارش نشده است.<sup>۳۷</sup>

همان‌گونه که از مطالب فوق برمی‌آید، مشکلات مربوط به مورد نخست، گستره‌ی محدودتری دارند فلذا حل آن نیز به مراتب آسان‌تر است. اما اقدامات تجاری که مشکلات و دغدغه‌های جهانی و منطقه‌ای را خطاب قرار می‌دهند قلمرو وسیع‌تری داشته و ضروری است تا وفاق عام بین‌المللی در این خصوص حاصل شود. به عبارت دیگر هرچه بر وسعت و گستره‌ی مشکل افزوده می‌شود مسلماً حل آن نیز مشکل‌تر بوده و نیازمند توجه و تلاش بیش‌تری است.

این مهم که با توجه به وضعیت کنونی حاکم بر نظام تجارت جهانی، دولت‌ها تا چه میزان می‌توانند با استفاده از اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» از بروز این قبیل آسیب‌ها جلوگیری نموده و یا نسبت به آن‌ها واکنش نشان دهند، پرسشی است که پاسخ به آن چندان آسان نیست. به هر رو در ادامه در صدد اثبات مشروعیت اقدامات یادشده طبق مقررات WTO (به طور خاص ماده‌ی ۳ گات) خواهیم بود.

36. OECD, op.cit., 137.

37. Ibid., art. 4.



#### ۴- بررسی موانع فراوری اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs»

به نظر نگارندگان یکی از راه‌هایی که می‌تواند سبب مشروعیت اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» در چارچوب سازمان جهانی تجارت (ماده‌ی ۳ گات) شود نوع تفسیری است که از عبارت «محصولات مشابه» مندرج در بند ۴ ماده‌ی ۳ گات به عمل می‌آید. به عبارت دیگر با توجه به اهمیت و جایگاه مفهوم محصولات مشابه در نظام سازمان جهانی تجارت و عدم ارائه‌ی تعریف مشخص از این عبارت در موافقت‌نامه‌های WTO (گات)، چگونگی تفسیر آن می‌تواند مجوز انجام اقدامات تجاری (تحریم و یا ممنوعیت‌های وارداتی) بر اساس «NPRPPMs» را به کشورها اعطا نماید. در این میان نقش رکن حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت می‌تواند بسیار اثرگذار باشد، هم‌چنان که در آرای صادره نیز می‌توان این تمایل را به انحای مختلف استنتاج نمود.

قبل از ورود به بحث محصولات مشابه، ذکر یک نکته در باب اهمیت و نقش مفهوم محصولات مشابه ضروری است و آن این که اگر کالایی که روش تولید و فراوری آن مغایر با ضوابط زیست‌محیطی است با کالای دیگری که روش تولیدش سازگار با محیط زیست می‌باشد، «مشابه» تلقی نگردند، آن‌گاه امکان رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به آن‌ها وجود دارد بدون آن که این رفتار با اصل عدم تبعیض سازمان تجارت جهانی در تعارض باشد؛ زیرا اصل یادشده حکایت از عدم تبعیض میان «محصولات مشابه» دارد. برای شناخت بهتر مفهوم محصولات مشابه در ادامه به بررسی مفصل‌تر آن می‌پردازیم.

##### ۱-۴- مفهوم محصولات مشابه و ارتباط آن با «NPRPPMs»

عبارت محصولات مشابه در مقررات مختلف موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان جهانی تجارت و به طور خاص موافقت‌نامه‌ی گات ۱۹۹۴ ذکر شده است اما در هیچ یک از آن مقررات تعریف نشده است و همین نبود تعریف راه را برای تفاسیر متعدد از سوی رکن حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت باز نموده است. هدف از کاربرد مفهوم «محصولات مشابه» این است که مانع از اقدامات حمایت‌گرایانه‌ای شود که بر اساس

تفاوت‌های ساختگی میان محصولات به عمل می‌آید. از آنجایی که تبعیض منع شده در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت تبعیض میان «محصولات مشابه» است، بنابراین معیارهایی که «محصولات مشابه» توسط آن‌ها سنجیده می‌شوند بسیار با اهمیت است. مطابق رویه‌ی غالب سازمان در زمان گذشته<sup>۳۸</sup> و تفاسیری که سابقاً از ماده‌ی ۳ گات به عمل آمده است تفاوت‌های موجود در فرایندها و روش‌های تولید غیرمرتبط با محصول، نمی‌تواند به عنوان مبنایی برای تمایز قائل شدن میان محصولات به کار رود. رویه‌ی مزبور تنها زمانی تفاوت قائل شدن میان محصولات را مجاز می‌داند که آن‌ها در ترکیب ظاهری، استفاده‌ی نهایی و برخی دیگر از خصوصیات که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، متفاوت باشند. برای مثال یک کشور نمی‌تواند مالیات‌های بالاتری بر یک محصول وضع نماید تنها به این دلیل که در تولید آن محصول از رویه‌ها و روش‌های مخرب زیست-محیطی استفاده شده است؛ زیرا استفاده از روش‌ها و رویه‌های مخرب زیست‌محیطی سبب تغییر در ویژگی‌های ظاهری و استفاده‌ی نهایی از یک محصول نمی‌شود.

این در حالی است که انکار حق دسترسی به بازار و محدود ساختن این حق برای محصولاتی که با شیوه‌های ناسازگار برای محیط زیست تولید می‌شوند، ابزاری ضروری و کارآمد برای حصول به توسعه‌ی زیست‌محیطی پایدار و یا حداقل کمک به تحقق آن است. لذا تداوم این رویه سبب می‌شود تا حقوق تجارت بتواند توسل به اقدامات تجاری مبتنی بر «NPRPPMs» که با هدف حمایت از محیط زیست صورت می‌گیرد را به شدت محدود نماید.

هم‌چنین تجارت بین‌الملل با این وسیله می‌تواند اعتبار بسیاری از قوانین و قواعد زیست‌محیطی داخلی و بین‌المللی را زیر سوال برده و مانع تحقق توسعه‌ی زیست‌محیطی گردد. پس باید به دنبال راه چاره برای هموار ساختن راه‌های اعمال اقدامات مبتنی بر

---

38. Tuna / Dolphin I, 1990, para. 5. 74

«NPRPPMs» به منظور حفاظت از محیط زیست جهانی بود. با تدقیق در موانع اعمال این اقدامات، می‌توان دو عامل مهم را ذکر کرد که در مورد آن‌ها اتفاق نظر وجود دارد:

اصل عدم تبعیض میان محصولات مشابه و دیگری اصل حاکمیت به عنوان یکی از اصول پذیرفته شده در نظام حقوق بین‌الملل.

با وجود این و علی‌رغم تصور غالب، این دو عامل نمی‌توانند همواره و در همه‌ی شرایط مانع اعمال اقدامات مبتنی بر روش‌ها فرایندهای تولید غیر مرتبط با محصول در جهت حمایت از محیط زیست جهانی گردند. در مباحث آتی ابتدا به بررسی مفهوم «محصولات مشابه» در ماده‌ی ۳ گات و سپس اصل حاکمیت می‌پردازیم. این بررسی‌ها نشان خواهد داد که چگونه با نوع روی‌کرد و تفسیر و نیز با توسعه‌های به عمل آمده ادعاهای موجود در رابطه با نفی امکان تمایز میان محصولات بر اساس روش‌ها و فرایندهای تولید غیر مرتبط با محصول و اعمال اصل حاکمیت نسبت به مسائل زیست محیطی جهانی روز به روز رنگ باخته است.

## ۲-۴- مفهوم محصولات مشابه در ماده‌ی ۳ گات

ماده‌ی ۳ گات در بندهای ۱ و ۴ خود به بیان اصل عدم تبعیض نسبت به محصولات مشابه پرداخته است. به این معنی که مقررات داخلی نباید نسبت به محصولات وارداتی و یا داخلی به گونه‌ای اعمال شوند که سبب اعطای حمایت به محصولات داخلی شده و یا این که نباید با محصولات وارداتی رفتاری شود که نامطلوب‌تر از رفتار با محصولات مشابه داخلی باشد.

بند ۱ ماده‌ی ۳ گات مقرر می‌دارد:

اعضای متعاهد می‌پذیرند که مالیات‌ها و سایر هزینه‌های داخلی و قوانین، مقررات و الزامات موثر بر فروش، پیشنهاد فروش، خرید، حمل و نقل، توزیع یا استفاده از کالاهای [موجود] در بازار داخلی و مقررات کمی داخلی که مخلوط، پردازش یا استفاده کردن از

محصولات را در مغایرت با نسبت‌های مشخص ایجاب می‌کند، نباید نسبت به کالاهای وارداتی یا داخلی به طریقی اعمال شود که منجر به حمایت از کالاهای داخلی گردد.

بند ۴ ماده‌ی ۳ نیز بیان داشته است:

نسبت به کالاهای وارداتی هر یک از اعضای متعاقد به سرزمین عضو دیگر رفتاری نامطلوب‌تر از رفتار مورد نظر برای کالاهای مشابه داخلی از لحاظ قوانین، هر نوع مقررات و الزامات موثر بر فروش، پیشنهاد فروش، خرید، حمل و نقل، توزیع و استفاده‌ی کالاها در بازار داخلی تعیین نخواهد شد.

همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، با وجود ذکر عبارت کالاهای مشابه در موافقت‌نامه‌ی گات، تعریفی از این مفهوم ارائه نشده است. به همین علت سراغ تفسیر حقوقی می‌رویم تا از طریق آن ابتدا این مفهوم و سپس اثر تفسیر را بر مشروعیت اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» نشان دهیم.

بر اساس اصول تفسیر حقوقی مندرج در بند ۱ ماده‌ی ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات<sup>۳۹</sup>، برای تفسیر نیازمند معیار یا معیارهایی هستیم که باید آن را از سیاق عبارت «مشابه» و نیز هدف و مقصود ماده‌ی ۳ گات استنتاج نمود:

#### ۱-۲-۴- اخذ معیار از سیاق عبارت «مشابه»

از آنجایی که رکن حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت در قضایای مختلف تفاسیری از مواد مرتبط با قضیه ارائه نموده است، در این مبحث چگونگی اخذ معیار جهت تشخیص تشابه از سیاق این عبارت را در آرای مربوط بررسی نموده و در خلال بحث، به

۳۹. بند ۱ ماده‌ی ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات در بیان قاعده‌ی کلی تفسیر اشعار می‌دارد: یک معاهده با حسن نیت و منطبق با معنای معمولی که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد.

تحولات ایجاد شده در این رویه نیز اشاراتی خواهیم داشت.

در قضیه‌ی ماهی‌های تن و دلفین (I) دادگاه از معیارهایی برای تشخیص «تشابه» محصولات استفاده نموده است که همگی با ماهیت و خصوصیات ظاهری محصولات (در زمان ورود به کشور واردکننده) مرتبط هستند و در نتیجه صراحتاً هرگونه تفاوت در روش‌ها و فرایندهای تولید را در تشخیص «مشابه» بودن محصولات رد نموده است.<sup>۴۰</sup> شرح مختصر مآووقع به این نحو بود که آمریکا طبق قانون حمایت از پستانداران دریایی آن کشور، مبادرت به تحریم واردات ماهی‌های تن و محصولات تولید شده از آن، از کشور مکزیک نمود. علت وضع این ممنوعیت، روش‌های به کار گرفته شده توسط صیادان مکزیکی بیان شده بود که به باور آمریکا سبب مرگ و میر دلفین‌ها می‌گشت.<sup>۴۱</sup> هیئت بدوی در رسیدگی به این قضیه، ویژگی‌های ماهی‌های تن وارداتی از مکزیک را به گونه‌ای ندانست که باعث محدودیت و یا ممنوعیت واردات آن‌ها شود؛ زیرا آنچه سبب اعمال ممنوعیت وارداتی شده بود روش و فرایند صید این ماهی‌ها بود و نه ترکیب خصوصیات ظاهری آن‌ها، در حالی که طبق نظر دادگاه معیار تشخیص تشابه محصولات، ترکیب و خصوصیات ظاهری آن‌ها بود.<sup>۴۲</sup>

بنابراین از نقطه‌نظر رکن بدوی در این قضیه، ماهی‌های صید شده به هر دو روش مطابق با ماده‌ی ۳ گات «محصول مشابه» محسوب شده و هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز با آن‌ها در مغایرت با ماده‌ی ۳ گات و ناقض قواعد سازمان جهانی تجارت بود. در حقیقت، رکن بدوی ابزار به کار گرفته شده توسط آمریکا را ناقض مقررات اساسی گات از جمله اصل

40. Tuna/Dolphin I, 1990, Para. 5.15.

۴۱. از جمله استدلال‌های آمریکا در قضیه‌ی ماهی‌تن-دلفین این بود که با توجه به این که آمریکا واردات و خرید میگوهای که با این روش صید شده باشند را از صیادان آمریکایی نیز ممنوع نموده است، لذا اقدام او ناقض ماده‌ی ۳ گات نمی‌باشد ضمن این که آمریکا واردات ماهی‌های تنی که از طرق دیگر صید شده بودند را ممنوع و یا محدود نساخته بود.

42. Ibid., para. 5. 14.

عدم تبعیض ( رفتار ملی) مندرج در ماده‌ی ۳ آن موافقت‌نامه دانست. به زعم دادگاه این ماده تبعیض میان کالاهای وارداتی بر اساس روش‌های تولید و فراوری آن‌ها را ممنوع اعلام نموده است.

هرچند این رای موجب دل‌سردی طرف‌داران محیط زیست شد و این نگرانی را تقویت نمود که از آن به عنوان دست‌آویزی جهت مداخله در سیاست‌های زیست‌محیطی کشورها با استناد به منافع تجاری استفاده شود؛ اما گذر زمان نشان داد که رویه‌ی قضایی سازمان جهانی تجارت در خصوص این مسئله در حال تحول و پویایی است. البته شاید یکی از دلایل اصلی این تکامل انتقاد گروه‌ها و مجامع زیست‌محیطی باشد. از بررسی رویه‌ی جدید می‌توان بارقه‌ها و نشانه‌های پذیرش «NPRPPMs» را به عنوان یکی از معیارهای مورد استفاده برای تعیین «تشابه محصولات» مشاهده کرد.

از جمله مهم‌ترین آرای‌ها که در خصوص تفسیر مفهوم «محصولات مشابه» صادر شده، رای رکن تجدیدنظر در قضیه‌ی «پنبه‌های نسوز» است. هرچند رای مزبور در خصوص یک اختلاف زیست‌محیطی صادر نشده اما از آنجایی که به تشریح این مفهوم و معیارهای تعیین تشابه پرداخته، حائز اهمیت فراوان است. به علاوه می‌توان از استدلال‌ات و تفاسیر دادگاه برای تعیین تشابه در مورد مسائل زیست‌محیطی نیز استفاده نمود.

دادگاه در تشریح ملاک‌ها و معیارهایی که بر اساس آن‌ها می‌توان «مشابه» بودن محصولات را سنجید، به عنوان نقطه‌ی شروع از گزارش گروه کاری تشکیل شده برای تنظیم مالیات‌های مرزی (BTA) بهره جسته است.<sup>۴۳</sup>

گزارش فوق چهار معیار کلی را برای تحلیل تشابه محصولات ذکر نموده که عبارتند از:

- خواص، ماهیت و صفات؛

43. Report of the Working Party on Border Tax Adjustment, GATT Doc. L / 3464, 1970.

- استفاده‌های نهایی از محصولات؛
- عادات و سلايق مصرف‌کننده و يا به عبارت بهتر، رفتار و طرز تلقی مصرف‌کننده در رابطه با محصولات؛
- طبقه‌بندی تعرفه‌ای.

با بررسی رای فوق می‌توان گفت، دادگاه در خصوص اخذ معیار از عبارت «مشابه» به موارد جدیدی اشاره نموده است که به تشریح و تفصیل آن‌ها می‌پردازیم:

دادگاه بر بررسی مورد به مورد معیارهای تعیین تشابه تاکید نموده که خود موید لزوم در نظر گرفتن شواهد و اوضاع و احوال حاکم بر هر پرونده است. برای مثال تعیین تشابه در یک پرونده‌ی زیست‌محیطی، می‌تواند به گونه‌ای متفاوت از سایر پرونده‌ها انجام پذیرد. تصریح دادگاه به جامع نبودن معیارهای ذکر شده در گزارش گروه کاری تنظیم مالیات-های مرزی به لحاظ حقوقی<sup>۴۴</sup> این امکان را فراهم می‌آورد تا معیارهای دیگری را برای تعیین تشابه در نظر گرفت. به عبارت دیگر این معیارها حصری نیستند در نتیجه می‌توان از روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول به عنوان یک معیار برای تعیین تشابه محصولات نام برد.

تصریح دادگاه به ارتباط میان معیارها نشان می‌دهد اگرچه هر معیار در وهله‌ی اول یک جنبه و یک ویژگی خاص از محصول را نشانه می‌رود، اما این امر نافی ارتباط میان معیارها نیست. برای مثال عادات، سلايق و تصورات مصرف‌کنندگان می‌تواند بر استفاده-های نهایی از یک محصول اثر گذاشته و حتی آن را اصلاح و یا منسوخ نماید.<sup>۴۵</sup> این عبارت به نوعی انتقاد از رای ماهی‌تن-دلفین است، زیرا در آن رای، تنها بر یک معیار

44. European Communities Measures Affecting Asbestos and Asbestos Containing Products (Appellate Body, EC-Asbestos), WT / DS 135/AB/R., 12 March 2001, para. 102.

45. Ibid.

(خصوصیات ظاهری و فیزیکی) برای تعیین تشابه تاکید شده بود بدون آن که به این روابط توجه شود؛ حال آن که در مواردی طرز تلقی و تصورات مصرف کنندگان می تواند بسیار با اهمیت تر از خصوصیات ظاهری محصول باشد و حتی آن را تحت الشعاع قرار دهد. توجه دادگاه به امکان متفاوت بودن مفهوم تشابه از یک مورد (پرونده) به مورد دیگر که خود حکایت از سیاقی دارد که عبارات در آن شکل می گیرند، برای مثال مفهوم «مشابه» در سیاق زیست محیطی و حمایت از محیط زیست می تواند به گونه ای متفاوت تفسیر شود.

### ۲-۲-۴- هدف و مقصود ماده‌ی ۳ گات

در میان نویسندگان و نظریه پردازان، این وفاق عام وجود دارد که کارکرد ماده‌ی ۳ گات در کل اجتناب از اقدامات حمایت گرایانه است. این برداشت در راستای روح کلی حاکم بر قواعد سازمان جهانی تجارت نیز می باشد. نویسندگان پیش نویس موافقت نامه‌ی گات نیز معتقد بودند که هدف اساسی این موافقت نامه اجتناب از اقدامات حمایت گرایانه و تضمین رقابت است.<sup>۴۶</sup>

در این زمینه، استدلال ها و بحث های مبتنی بر تفسیر بر اهمیت اجتناب از اقدامات حمایت گرایانه به نفع محصولات داخلی، به عنوان هدف و غایت ماده‌ی ۳ گات تاکید نموده اند. همان طور که از متن بندهای ۱ و ۴ ماده‌ی ۳ نیز مشخص است، اقدامات تبعیض آمیز علیه محصولات مشابه نباید به گونه ای باشد که باعث «اعطای حمایت به محصولات داخلی» گردد.

با توجه به مطالب فوق، عبارت «محصولات مشابه» نیز باید در پرتو این هدف تفسیر گردد. بنابراین در هر مورد اقداماتی که ادعا می شود در مغایرت با ماده‌ی ۳ گات هستند را

46. GATT Panel Report, Italian Discrimination Against Imported Agricultural Machinery, L / 833, BISD, 7th Supp.60, 23 oct. 1958, 883.



باید به لحاظ این که آیا سبب اعطای حمایت به محصولات داخلی شده‌اند یا خیر مورد سنجش قرار داد. به بیان دیگر برای معلوم ساختن این که آیا دو محصول - که با آن‌ها متفاوت رفتار شده - مشابه هستند، باید بررسی نمود که آیا از تفاوت‌های میان آن‌ها در جهت حمایت از محصولات داخلی استفاده شده است یا خیر؟<sup>۴۷</sup>

همان گونه که رکن بدوی هیئت حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در قضیه‌ی مشروبات الکلی بیان داشته است:

هدف ماده‌ی ۳ این نیست که مانع دولت‌های متعاقد از به کار گرفتن قدرت وضع قوانین و یا توانایی مالی خود برای حصول به اهدافی غیر از آنچه سبب «اعطای حمایت به محصولات داخلی» می‌گردد، شود. به طور خاص، هدف ماده‌ی ۳ این نیست که دولت‌های متعاقد را از تفاوت قائل شدن میان محصولات بنا به دلایل و اهداف سیاسی غیرمرتبط با حمایت از محصولات داخلی، باز دارد؛ بلکه هدف نهایی ماده‌ی ۳ باید در تفسیر عبارت «محصولات مشابه» مندرج در این ماده لحاظ شود.<sup>۴۸</sup>

یافته‌های فوق مجدداً توسط هیئت بدوی در قضیه‌ی مالیات خودرو به عنوان روی کردی برای تعیین تشابه میان محصولات به کار گرفته شد.<sup>۴۹</sup>

آرای صادره در قضایای فوق علاوه بر این که بر نقش مهم هدف ماده‌ی ۳ برای تعیین تشابه کالاها و در نتیجه تعیین تبعیض آمیز بودن یا نبودن رفتار اعمال شده تأکید می‌ورزند، تفاوت قائل شدن میان محصولات را بنا به دلایل و اهداف سیاسی در صورتی که با نیت و قصد حمایت از محصولات داخلی نباشد نیز مجاز دانسته‌اند. در نتیجه می‌توان این گونه

47. US Measures Affecting Alcoholic and Malt Beverages, GATT Panel Report, GATT Doc. DS 23 / R – 395/206, 19 June 1992, para.5.25.

48. *Ibid.*

49. US-Taxes on Automobiles, GATT Doc. DS 31/R, Unadopted II oct. 1994, para. 5.7-5.10

استدلال کرد که اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» که برای مقابله با مشکلات زیست‌محیطی جهانی (حمایت از اهداف سیاسی) انجام می‌شوند و هدف آن‌ها اعطای حمایت به محصولات داخلی نمی‌باشد، در انطباق کامل با ماده‌ی ۳ گات و هدف آن ماده است. مطلب دیگر این است که چگونه از هدف ماده‌ی ۳ می‌توان در تفسیر مفهوم «محصولات مشابه» استفاده نمود. البته در این جا و از نقطه‌نظر این مقاله منظور تفسیری است که نشان دهد اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» مغایرتی با ماده‌ی ۳ گات ندارند. ابتدا باید توجه داشت که برای تبدیل یک اقدام به اقدامی حمایت‌گرایانه، وجود رابطه‌ی رقابتی میان محصولات داخلی مورد حمایت از یک سو و محصولات خارجی از سوی دیگر، ضرورت دارد، در غیر این صورت اثر اقدام حمایت‌گرایانه معمولاً احساس نمی‌شود.<sup>۵۰</sup>

بنابراین در درجه‌ی اول باید محصولاتی را «مشابه» قلمداد نمود که در یک رابطه‌ی رقابتی با یکدیگر قرار دارند. موضوع مهم این است که چه زمان رقابت میان دو محصول وجود دارد.

یکی از عوامل مهم در تعیین رقابت و در نتیجه تعیین «تشابه»، دیدگاه و طرز تلقی مصرف‌کنندگان نسبت به محصولات است. اگر دو محصول به لحاظ ظاهر فیزیکی خود با یکدیگر متفاوت بوده اما از نظر مصرف‌کنندگان به عنوان محصولاتی معادل و قابل جای-گزینی تلقی شوند، این دو محصول، محصولاتی رقیب محسوب می‌شوند. عکس این مورد نیز صادق است، یعنی محصولاتی که به لحاظ ظاهری تقریباً مشابه و حتی یکسان تلقی می-شوند می‌توانند و ممکن است از نظر مصرف‌کنندگان غیرمشابه و در نتیجه غیرقابل رقابت محسوب شوند.

50. Horn, H. and Mavroidis, PC., "Still Hazy after all These Year: The Interpretation of National Treatment in the GATT / WTO Cas-law on Tax Discrimination", 15 AIL, 2004, p. 61.

برخی از نظریه‌پردازان حتی تا جایی نسبت به اهمیت نقش نظر مصرف‌کنندگان پیش رفته‌اند که ویژگی‌های ظاهری محصولات را تنها به عنوان شاخصی از قابلیت تعویض و جای‌گزینی کالاها در نظر مصرف‌کنندگان دانسته‌اند.<sup>۵۱</sup>

این حقیقت که برای تشخیص شباهت و یا عدم شباهت محصولات می‌بایست روی آثار رقابتی و دیدگاه‌های مصرف‌کنندگان بیش از سایر معیارها تمرکز داشت، علاوه بر این که در رای «پنبه‌های نسوز» نمود یافته در رویه‌ی قضایی دادگاه اروپا (ECJ) نیز تایید شده است. اگرچه دادگاه مزبور در آرای قدیمی خود برای تعیین شباهت محصولات معیارهای مالیاتی، آماری و عوارض گمرکی را لحاظ نموده بود.<sup>۵۲</sup> اما آرای جدیدتر این دادگاه به درستی مشخص نموده توسل به معیارهایی هم‌چون عوارض گمرکی و معیارهای مالیاتی، برای تعیین «شباهت» محصولات کفایت نمی‌کند.<sup>۵۳</sup>

تاکید دادگاه مذکور این است که هرچند باید به خصوصیات عینی محصولات توجه نمود اما این ویژگی‌های عینی می‌بایست از دیدگاه و طرز تلقی مصرف‌کنندگان لحاظ شوند.<sup>۵۴</sup>

عامل دیگری که باعث نفی اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» و در نتیجه مانعی برای حمایت بیش‌تر از محیط زیست جهانی بوده، «اصل حاکمیت» است که در مبحث پیش رو به بررسی تحول این مفهوم در رویه‌ی هیئت حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت

51. Hudec Re., "Like Product": The Differences in Meaning in GATT, Article I and II, in the Cattier and PC Mavroidis, Regulatory Barriers and the Principle of Non Discrimination in World Trade Law, University of Michigan Press, 2000.

52. European Court Report, Firma Fink-Frucht Gmb H V. Hauptzallamt Muchen-Lands berger Strasse (Germany), Case 27/67, 4 April 1968, para.223.

53. European Court Report, Tax Arrangement Applicable t. Spirits, Case 168/78, Commission of the European Community V. France, 27 Februry 1980, para.5.

54. Case 243, 84, 2000, p.49.

پرداخته و نقش این تحول را در حفاظت از محیط زیست نشان خواهیم داد.

## ۵- اصل حاکمیت

یکی از دلایل اصلی که سبب شده میان روش‌ها و فرایندهای تولید مرتبط با محصول و روش‌ها و فرایندهای غیرمرتبط تفاوت ایجاد شود و در نتیجه مورد اول منطبق و مورد اخیر مغایر با قواعد سازمان جهانی تجارت و گات شناخته شود، «اصل حاکمیت» است. اگر در آثار زیست‌محیطی که هریک از این روش‌ها در پی دارد دقت کنیم، مفهوم عبارت فوق روشن می‌گردد. آثار مخرب زیست‌محیطی ناشی از «PRPPMs» در زمان مصرف و یا دفع محصول ایجاد شده و در نتیجه محیط زیست کشور واردکننده (محل مصرف و دفع محصول) را تخریب و یا تهدید می‌نماید. بر طبق اصل حاکمیت که مورد قبول موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت نیز می‌باشد، یک کشور حق دارد میزان حمایت از محیط زیست خود را مشخص نماید و برای مثال اقدام به وضع محدودیت‌هایی بر ورود کالاهایی نماید که مصرف آن‌ها منتهی به تخریب و یا تهدید محیط زیست آن کشور می‌شود.

اما درخصوص «NPRPPMs» وضعیت به این شکل نیست، زیرا آثار سوء زیست-محیطی ناشی از «NPRPPMs» در کشور محل تولید و فراوری محصول (کشور صادرکننده) رخ می‌دهد و نه کشور محل مصرف (واردکننده). بنابراین کشور واردکننده نمی‌تواند بر اساس «NPRPPMs» اقدام به وضع محدودیت‌های تجاری نموده و آن را با استناد به حفاظت از محیط زیست توجیه نماید.

اما همان‌گونه که اشاره گردید، با توجه به طبقه‌بندی مشکلات و دغدغه‌های زیست-محیطی، این استدلال تنها در مواردی صدق می‌کند که آسیب‌ها و خسارات زیست‌محیطی در محدوده‌ی قلمرو یک کشور (کشور تولیدکننده) ایجاد شده باشد و نه آسیب‌ها و مشکلات مربوط به محیط زیست مشترک و جهانی و یا تهدید گونه‌های در حال انقراض و مورد حمایت، تخریب لایه‌ی اوزن و... آیا در رابطه با این آسیب‌ها و خطرات باز هم می-

توان مانع از انجام اقدامات تجاری بر اساس «NPRPPMs» با استناد به اصل حاکمیت شد. بی‌گمان پاسخ منفی خواهد بود. با توجه به تحولات پیش آمده و اهمیت روز افزون محیط زیست از یک سو و اثبات امکان اثرگذاری آثار سوء زیست‌محیطی یک کشور به فراتر از مرزهای آن کشور<sup>۵۵</sup>، دیگر نمی‌توان به اصل حاکمیت برای مقابله با چنین اقداماتی توسل جست. رویه‌ی قضایی سازمان جهانی تجارت نیز خود را با تحولات جاری در جامعه‌ی بین‌المللی همگام نموده است و با رایی که در قضیه‌ی میگو- لاک‌پشت‌های دریایی صادر نمود، صراحتاً اقدامات انجام شده بر اساس «NPRPPMs» و برای حفاظت از منابع طبیعی زنده را به رسمیت شناخته، بدون آن‌که این اقدامات را خارج از حاکمیت و قلمرو کشور اقدام‌کننده اعلام نماید. در پرونده‌ی فوق که شباهت‌هایی با پرونده‌ی ماهی‌های تن و دلفین دارد، آمریکا مقرراتی را تدوین نموده بود که بر اساس آن روش‌های صید و ماهی‌گیری باید به گونه‌ای باشد که به لاک‌پشت‌های دریایی صدمه وارد نساخته و مانع از صید تصادفی این لاک‌پشت‌ها در فرایند فعالیت‌های ماهی‌گیری شود. قانون مزبور به فعالیت‌های ماهی‌گیری که در خارج از حوزه‌ی صلاحیت آمریکا انجام می‌شد نیز بسط می‌یافت.<sup>۵۶</sup>

رکن تجدیدنظر در رای خود روی کرد هیئت بدوی را در قضیه‌ی ماهی‌های تن- دلفین (۱) درخصوص اقدامات تجاری که برای حفاظت از محیط زیست جهانی انجام می- پذیرد منسوخ نمود؛ رایی که با اتکا به اصل حاکمیت صادر شده و اقدامات خواننده را خارج از حوزه‌ی صلاحیت/ش اعلام نموده بود.<sup>۵۷</sup>

۵۵. تحقیقات علمی نشان داده که بیش‌ترین میزان تخریب لایه‌ی اوزن در قطب جنوب صورت گرفته و این در حالی است که هیچ‌گونه فعالیت تولیدی در آن منطقه انجام نمی‌شود.

56. US, Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products, WT/DS 58/AB/R, October 1998, para.2.7.

۵۷. در قضیه‌ی ماهی‌های تن- دلفین (۱)، استدلال آمریکا (خواننده) در وضع محدودیت‌های وارداتی بر اساس «NPRPPMs» حفاظت از حیات و سلامت حیوانات بود که بر اساس قانون حمایت از پستان‌داران دریایی ۱۹۷۲ آمریکا صورت گرفته بود.

در قضیه‌ی ماهی‌های تن - دلفین (۱) هیئت بدوی در رابطه با امکان انجام اقدامات تجاری بر اساس «NPRPPMs» این گونه حکم صادر نمود:

«یک کشور می‌تواند بر تولید و مصرف منابع طبیعی تجدیدناپذیر نظارت نماید اما تنها در حدی که تولید یا مصرف این منابع در محدوده‌ی تحت صلاحیت آن کشور انجام پذیرد...»<sup>۵۸</sup>

هیئت بدوی در قضیه‌ی فوق حتی تا جایی پیش رفت که قصد و هدف بند (ز) ماده‌ی ۲۰ گات را مجاز اعلام نمودن اقداماتی دانست که هدف اولیه‌ی آن‌ها ایجاد محدودیت‌های موثر بر تولید و یا مصرف در قلمرو تحت صلاحیت کشورهای عضو باشد.<sup>۵۹</sup> اما رکن تجدیدنظر در قضیه‌ی میگو-لاک پشت‌های دریایی، به نوعی کاستی‌های رای فوق‌الذکر را در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست خارج از صلاحیت یک کشور جبران نمود. این رای، روی کرد سنتی نسبت به اقدامات تجاری زیست‌محیطی که بر اساس «NPRPPMs» و برای حفاظت از محیط زیست جهانی به طور خاص حفاظت از منابع طبیعی زنده صورت می‌پذیرد را رد نمود.

در زمان بررسی درخواست مالزی برای اجرای رای در سال ۲۰۰۱، رکن تجدیدنظر دیگر بار بر بند ۱۲۱ رای خود تاکید نمود.<sup>۶۰</sup> در بند یادشده، دادگاه به انتقاد از روی کرد رکن بدوی نسبت به عدم شمول اقدامات تجاری یک‌جانبه در ماده‌ی ۲۰ گات پرداخته است. این تاکید مشخص می‌سازد که هدف دادگاه از عبارت مندرج در بند ۱۲۱، ارائه‌ی رهنمودهای حقوقی برای آرای‌ی بوده که قرار است در آینده صادر شود فلذا محدود به

58. Tuna/ Dolphin I, para. 5.28.

59. *Ibid.*, para. 5.31.

۶۰. در بند ۱۲۱ رای، دادگاه به بیان توجیه اقدامات آمریکا بر طبق استثنای مندرج در بند (ز) ماده‌ی ۲۰ گات پرداخته و بیان داشته است که اگر سیاست‌ها و شرایط تعیین شده توسط صادرکننده در راستای بهبود اهدافی از قبیل حفاظت از منابع طبیعی باشد، آن اقدامات لزوماً خارج از قلمرو ماده‌ی ۲۰ گات نمی‌باشند. زیرا هیچ قاعده‌ای مبنی بر ممنوعیت چنین اقداماتی در متن ماده‌ی ۲۰ گات وجود ندارد.

همان رای خاص نمی‌باشد.

رای صادر شده در قضیه‌ی میگو- لاک‌پشت‌های دریایی نشان‌دهنده‌ی عدم ممنوعیت اقدامات صورت گرفته بر اساس «NPRPPMs» و با هدف حمایت از محیط زیست جهانی طبق ماده‌ی ۲۰ گات است و راه را برای توسل دولت‌ها به این اقدامات باز نمود که اگر در راستای حفاظت از محیط زیست جهانی -و نه حمایت از محصولات داخلی- باشد، گام مهمی در راه مبارزه با آسیب‌ها و خطرات زیست‌محیطی جهانی برداشته شده است.

## نتیجه‌گیری

امروزه اهمیت محیط زیست بر هیچ کس پوشیده نیست، لذا حتی در مواردی که منافع زیست‌محیطی در خارج از قلمرو صلاحیت یک دولت واقع شده‌اند (محیط زیست برون‌مرزی و جهانی) نه تنها باید دغدغه و نگرانی هر فرد از افراد جامعه‌ی جهانی باشد بلکه اقدامات صورت گرفته به منظور حفاظت از آن نیز نباید به عنوان فعالیت‌های خارج از صلاحیت یک کشور تلقی گردد. با توجه به نقش مهمی که اقدامات مبتنی بر روش‌ها و فرایندهای تولید غیرمرتبط با محصول می‌تواند در حمایت از محیط زیست مشترک و جهانی داشته باشد انتظار معقول این است که مقررات مرتبط سازمان جهانی تجارت در راستای ارتقای این نقش تفسیر گردند.

مفهوم محصولات مشابه مندرج در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت و به طور خاص ماده‌ی ۳ گات به صورت بالقوه به اندازه‌ی کافی مفهومی موسع هست تا بتوان بر اساس آن مجوز اعمال مقررات و اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» را به عنوان مبنای رفتار تبعیض‌آمیز میان محصولات غیرمشابه استنتاج نمود.

به علاوه همان‌گونه که تصریح شد، اصرار بر ویژگی‌های محصول و یا طبقه‌بندی تعرفه‌ای برای تعیین تشابه میان محصولات، دلیل و توجیه منطقی خاص و یا ویژگی منحصر به فردی ندارد. همان‌گونه که تحول در آرای قضایی نیز گویای این حقیقت است که معیارهای فوق به آسانی قابل جای‌گزینی با معیارهای دیگر می‌باشند.

از جمله‌ی این معیارها که در سال‌های اخیر و در اثر افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی مصرف‌کنندگان رخ نموده است، معیار توجه به روش‌ها و فرایندهای تولید یک محصول می‌باشد که بر اساس آن می‌توان دو محصول را بر طبق چگونگی تولید آن‌ها (به لحاظ رعایت ضوابط زیست‌محیطی) مشابه و یا غیرمشابه تلقی نمود.

هرچند رکن حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت تاکنون صراحتاً از این معیار در آرای خود نام نبرده است، اما در آرای جدید به معیار «عادات و سلايق مصرف-کنندگان» اشاره شده و معیار مزبور به عنوان یکی از معیارهای تفسیر «تشابه» محصولات به



رسمیت شناخته شده است.<sup>۶۱</sup>

اما روشن است، هم‌چنان که عادات و سلايق مصرف‌کنندگان می‌تواند عامل مرتبط و تعیین‌کننده در تعیین «تشابه» محصولات باشد، قطعاً انتخاب مصرف‌کنندگان در خرید یک محصول که با روش‌ها و فرایندهای سازگار با محیط زیست تولید و ساخته شده باشد نیز به عنوان یکی از نموده‌های عادات و سلايق ایشان به همان میزان در تعیین تشابه محصولات حائز اهمیت است.

در رابطه با عدم اعطای حمایت به محصولات داخلی در سایه‌ی انجام اقدامات مبتنی بر «NPRPPMs» نیز باید تصریح نمود که اگر اقدامات یادشده در چارچوب مسائل و مشکلات و دغدغه‌های زیست‌محیطی و برای حفاظت از محیط زیست جهانی صورت گرفته باشد ماهیتاً حمایت‌گرایانه نمی‌باشند به ویژه اگر مبتنی بر یک موافقت‌نامه‌ی عمومی چندجانبه برای حفاظت از محیط زیست (MEA) باشند. در این صورت حتی با تفسیر موسع نیز نمی‌توان ادعا کرد این اقدامات در راستای اعطای حمایت به تولیدات داخلی بوده و در نتیجه ناقض ماده‌ی ۳ گات هستند؛ حتی باید به این نکته‌ی مثبت نیز توجه داشت که محدودیت‌های ایجاد شده بر مبنای «NPRPPMs» می‌تواند برای دولت‌های خاطی جنبه‌ی ترغیبی داشته و آن‌ها را به اتخاذ روش‌های مطلوب‌تر و سازگارتر با محیط زیست به منظور حفاظت بیش‌تر از محیط زیست جهانی و مشترک وادار نماید.

در پایان یادآور می‌شود که با وجود مخالفت‌هایی که از سوی برخی کشورها نسبت به مغایرت اقدامات «NPRPPMs» با مقررات و ضوابط سازمان جهانی تجارت مطرح می‌شود، این اقدامات به ویژه زمانی که برای حفاظت از محیط زیست جهانی انجام می‌شوند، نه تنها در مغایرت با مقررات سازمان نبوده بلکه به صورت ضمنی توسط رکن

61. Japanes Alcoholic Beverage Panel, para 5.7.

حل و فصل اختلافات آن سازمان در قضیه‌ی میگو-لاک پست‌های دریایی تایید شده‌اند. سکوت رکن تجدیدنظر در قضیه‌ی فوق با توجه به این حقیقت که تحریم وارداتی آمریکا یک اقدام مبتنی بر «NPRPPMs» بود، می‌تواند نشانه‌ای بر پذیرش اقدامات و محدودیت-های تجاری مبتنی بر «NPRPPMs» در نظام تجارت جهانی باشد.

## منابع

1. Ashford, Nicholas A; Caldart, Charles C., Environment Law, Policy and Economics, MIT Press, 2007.
2. Environment and Trade A Handbook, IISD and UNEP, 2005.
3. European Communities Measures Affecting Asbestos and Asbestos Containig Products, (Appellate Body, EC-Asbestos), WT/DS 135/AB/R, 12 March 2001.
4. European Court Report, Firma Fink-Frucht GmbH V. Hauptzollamt Muchen-Landsberger Strasse (Germany), Case 27/67, 4 April 1968.
5. European Court Report, Tax Arrangements Applicable to Spirits, Case 168/78, Commission of the European Community V. France, 27 February 1980.
6. GATT Panel Report, Italian Discrimination Against Imported Agricultural Machinery, L/833, BISD, 7<sup>th</sup> Supp. 60, 23 October 1958.
7. General Agreement on Tariffs and Trade, GATT, 1994, available at: <http://www.gatt.org>.
8. Hanley, N; Shogren, J.F. and White, B., Introduction to Environmental Economic, New York, Oxford University Press, 2007.
9. Horn H. and Mavroidis, PC., "Still Hazy after all these Years: The Interpretation of National Treatment in the GATT/WTO Case-law on Tax Discrimination", 15 EJIL, 2004.
10. Hudec, RE., "Like Product": The Differences in Meaning in GATT, Articles I and III, in the Cattier and PC Mavroidis, Regulatory Barriers and the Principle of Non Discrimination in World Trade Law, University of Michigan Press, 2000.
11. Joshi, M., "Are Eco-labels Consistent with WTO Agreement?", Journal of World Trade, Vol. 38(1), 2004.

12. Marrakesh Agreement Establishing the WTO, Annex 1A, 33 IL. M. 28, 1994.
13. Nordstrom, Hakani; Vaughan, Scott, Special Studies 4, Organization Publications, 1999.
14. OECD, Processes and Productions Methods (PPMS): Conceptual Framework and Considerations on Use of PPM-Based Trade Measures (Paris: OECD) August 1997 OECD/GD (97), No. 137, available at: <http://www.oecd.org>.
15. Report of the Working Party on Border Tax Adjustments, GATT Doc., L/3464, 1970.
16. Sanford, E. Gaines, "Processes and Production Methods: How to Produce Sound Policy for Environment PPM-Based Trade Measures?", Columbia Journal, Vol. 27, 2002.
17. UNCTAD(2004), Trade and Development Report, New York and Geneva: UNCTAD, available at: [http://www.unctad.org/en/docs/tdr2004\\_en.pdf](http://www.unctad.org/en/docs/tdr2004_en.pdf)
18. US, Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products, WT/DS 58/AB/R, October 1998.
19. US, Measures Affecting Alcoholic and Malt Beverages, GATT Panel Report, GATT Doc. DS23/R-395/206, 19 June 1992.
20. US-Taxes on Automobiles, GATT Doc. DS31/R, Unadopted 11 October 1994.